

۴
کافهماندگار در ذهن‌ها
هوشمند عقیلی درگذشت۶
توسعهابهام روی ابهام
فروش نفت در دست بابک زنجانی؟۷
بازتابعدم آشنایی با ساخت قدرت
پاسخ شهرداری تهران به گزارش سازندگی۲
ایران

سنت زیر سایه دولت

نهادهای مذهبی مستقل چگونه دولتی شدند؟

یادداشت روز

اصلاحات نهادی

پنجره فرصت توسعه؛ باز ماندن یا بسته شدن؟

روح‌الله اسلامی

دانشیار علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

یک قرن زیرساخت‌سازی در ایران از جاده و راه‌آهن گرفته تا سد، نیروگاه، فرودگاه، دیوان‌سالاری و آموزش عالی، امید آن را زنده نگاه داشته است که کشور بتواند در مدار توسعه پایدار قرار گیرد. اما تناقض امروز آن است که درست که شرایطی که ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نهادی فراهم است، پنجره فرصت توسعه در معرض بسته شدن قرار دارد. مفهوم «پنجره فرصت» در ادبیات توسعه و اقتصاد سیاسی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که ترکیب جمعیتی، توان نهادی، دسترسی به منابع و موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند یک جهش تاریخی را ممکن سازد. با این حال تداوم بحران‌های ساختاری می‌تواند این فرصت را به تهدید بدل کند.

ظرفیت‌های باز ماندن پنجره

ایران هنوز بر پایه چند ستون مهم می‌تواند، ادعای برخورداری از فرصت توسعه داشته باشد.

۱- زیرساخت‌های فیزیکی و انرژی: شبکه گسترده جاده، خطوط ریلی، سدها، معادن، منابع عظیم نفت و گاز و برق ارزان، بنیانی کم‌نظیر برای صنعتی شدن ایجاد کرده است.

۲- جمعیت و سرمایه انسانی: نیروی انسانی جوان و باسواد، دانشگاه‌های متعدد و طبقه متوسطی که ارزش‌های مدنی و ملی‌گرایانه را حفظ کرده‌اند، امکان نوآوری و تحرک اجتماعی را فراهم می‌کند.

۳- جغرافیا و منابع طبیعی: چهار فصل بودن دسترسی به آب‌های آزاد و موقعیت ترانزیتی میان شرق و غرب امکان پیوند با اقتصاد جهانی را به وجود می‌آورد.

۴- ملت و مدنیت: با وجود تکرر فرهنگی، مفهوم ملت و حب وطن در ایران ریشه‌ای تاریخی دارد و بستر مهمی برای انسجام اجتماعی و پذیرش اصلاحات است. این ظرفیت‌ها در نگاه اقتصاد عمومی، «کالای عمومی» محسوب می‌شوند؛ سرمایه‌هایی که همه جامعه از آن بهره‌مند است و نیازمند سیاست‌گذاری مناسب برای بالفعل شدن هستند.

بادهای وزنده برای بستن پنجره

اما آنچه امروز پنجره را تهدید می‌کند، هم‌زمانی چند بحران ساختاری است:

۱- تورم، فقر و بیکاری: اقتصاد ایران گرفتار تورم مزمن، کاهش قدرت خرید و بیکاری جوانان است. این چرخه رکودی-تورمی، نه‌تنها رفاه عمومی را تهدید می‌کند بلکه مشروعیت سیاسی و ظرفیت سرمایه‌گذاری بلندمدت را کاهش می‌دهد.

۲- بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی: تغییر مداوم سیاست‌ها، نااطمینانی در قوانین و بی‌اعتمادی به آینده، مانع اصلی جذب سرمایه داخلی و خارجی است. در ادبیات اقتصاد سیاسی، «ریسک حکمرانی» یکی از عوامل کلیدی عقب ماندن از توسعه است.

۳- گذار جمعیتی به سوی پیری: در حالی که هنوز بخشی از جمعیت جوان است، روند کاهشی نرخ باروری و حرکت به سوی پیری جمعیت می‌تواند، پنجره جمعیتی ایران را ظرف دو دهه آینده ببندد. این همان «شکاف فرصت» است که کشورهای شرق آسیا از آن بهره بردند اما ما هنوز درگیر آن هستیم.

۴- محیط بین‌الملل پرتنش: تحریم‌ها، انزوای نسبی ایران در نظام اقتصاد جهانی، جنگ‌ها و بحران‌های منطقه‌ای هزینه تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک را بالا برده است.

۵- بحران حکمرانی: تعارض میان گروه‌های ذی‌نفع، ضعف در شفافیت و فساد ساختاری، مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود است.

راه نجات: گشایش سیاسی - اقتصادی

اگر پنجره توسعه در حال بسته شدن است، راه نجات جز اصلاحات نهادی و بازسازی حکمرانی نیست. در این مسیر چند محور کلیدی باید برجسته شود:

۱ | ادامه در صفحه ۶

آرایش جنگ

در روزی که با فرمان رئیس‌جمهور آمریکا، وزارت دفاع به وزارت جنگ تغییر نام داد ترامپ کشورهای مخالف خود را به حمله و بمباران تهدید کرد

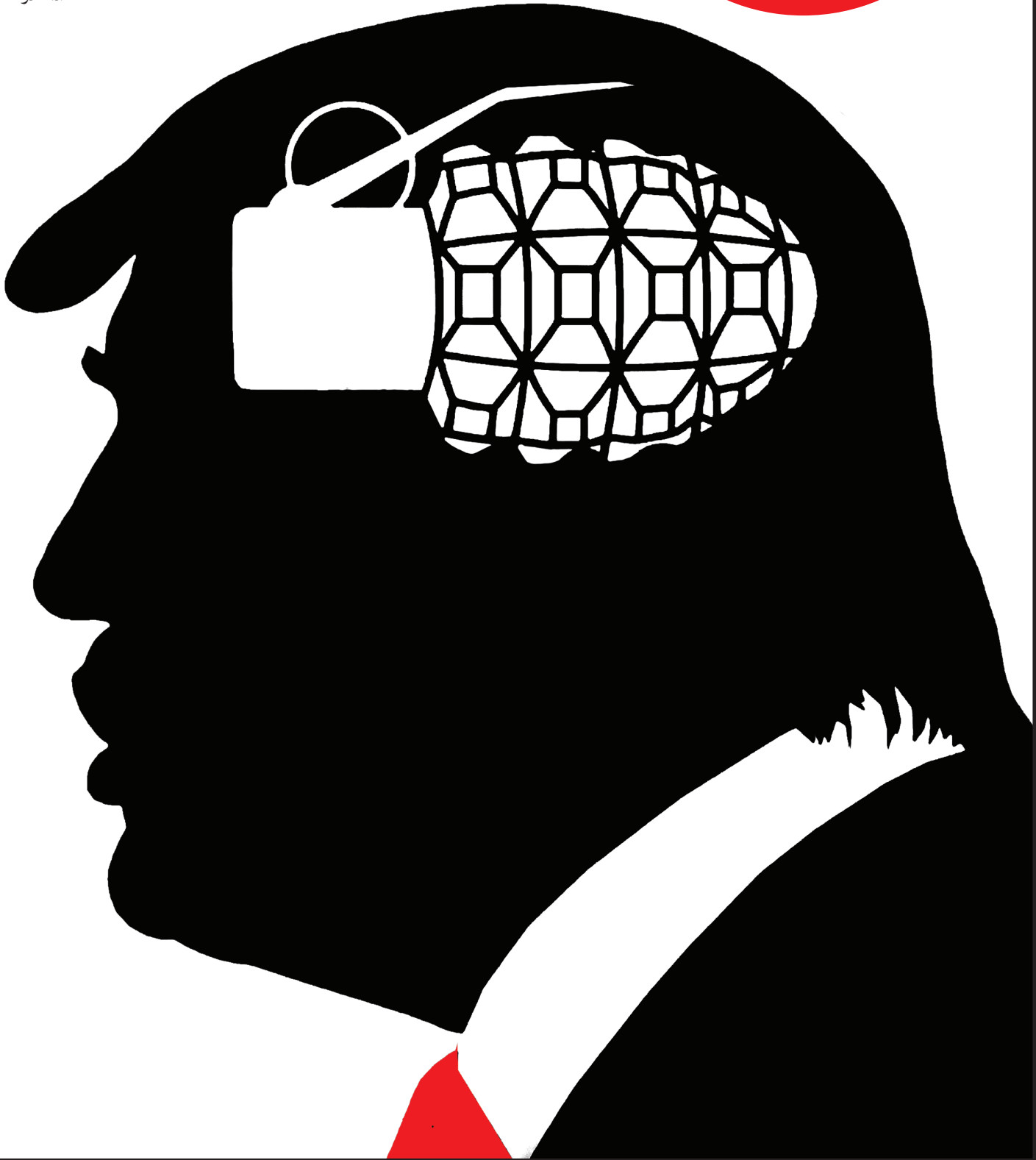
ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



رئیس‌جمهور آمریکا به تازگی نام پنتاگون را به وزارت جنگ تغییر داده؛ اقدامی که بازتاب گسترده‌ای در داخل آمریکا و جهان بین‌الملل داشته است. ترامپ هنگام امضای این فرمان به حمله موفق آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت، فرماندهی عملیات علیه ایران موفق و بدون نقص بود و این عملیات «فراتر از یک حمله بود». ترامپ افزود این حمله «کاملاً بدون نقص بود و همان‌طور که شرکت سازنده بمب‌افکن بی ۲ اشاره کرد این عملیات بدون حتی کوچک‌ترین ایرادی انجام شد، نه یک پیچ شل شد و نه موتور از کار افتاد». ترامپ همچنین با تهدید به سرنگونی جنگنده‌های ونزوتلا و اعزام جنگنده‌های اف-۳۵ به پورتوریکو، سطح تنش‌ها با کاراکاس را به بالاترین حد در سال‌های اخیر رسانده است. ترامپ در کاخ سفید مقابل خبرنگاران، ونزوتلا را تهدید کرد که اگر جنگنده‌های ارتش این کشور خطری برای نیروهای آمریکایی ایجاد کنند، هدف قرار گرفته و سرنگون خواهند شد. اگرچه این تغییر هنوز بدون تصویب کنگره از نظر قانونی دائمی نیست اما به‌عنوان یک تحول نمادین قابل توجه تلقی می‌شود و نامی را احیا می‌کند که بیش از ۷۵ سال پیش کنار گذاشته شده بود. این بازگشت تداعی کننده تکرار دوره ترومن، سی‌وسومین رئیس‌جمهور ایالات متحده است که با تصمیماتی غیرمنتظره و جنجالی همچون؛ بمباران اتمی ژاپن، آغاز جنگ سرد، ارائه طرح مارشال، تأسیس ناتو و جنگ کره در تاریخ از او یاد می‌شود. اکنون نیز ترامپ که با وعده پایان جنگ‌ها و برقراری صلح در جهان به قدرت رسید، نه تنها هیچ جنگی را تا کنون پایان نبخشید، بلکه در حال دامن زدن به جنگ‌های جدید است.

۳ | ادامه در صفحه ۳



دیدگاه: یادداشت سیاسی

راه‌حل‌های ویتربنی

اجرای کنسرت خیابانی

نه دستاورد است و نه چالش سیاسی



نوبید حسینیون

عضو شورای استان خراسان رضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

فرانسیس فوکویاما، متفکر و نظریه‌پرداز ژاپنی- آمریکایی تعریفی دقیق از ظرفیت (توانایی) دولت دارد. فوکویاما قدرت دولت را نه بر مبنای اندازه بلکه بر مبنای «ظرفیت نهادی» و «توانایی اعمال تصمیمات» تعریف می‌کند. با انتشار خبر برگزاری موسیقی خیابانی همایون شجریان در روز ۱۴ شهریور، همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، مخالفین و موافقین شروع به صف‌بندی‌های مرسوم خود کردند. اولین واکنش از طرف مخالفین داخلی دولت و محافظه‌کاران سیاسی مخالف دولت بود. آنان با وجود مشکلات معیشتی و اقتصادی همچنین درگیری شدید دو ماه گذشته بین ایران و اسرائیل، دولت را متهم به بی‌برنامگی و عدم درک شرایط موجود کردند و کوشیدند، برنامه‌های دولت‌پزشکیان را در مقابل مشکلات معیشتی مردم قرار دهند. بدیهی است که نیروهای اصولگرا یا جریان موسوم به پایداری که همواره سعی می‌کنند در مراسمات خاص سیاسی و مذهبی، طرفداران خود را به عرصه عمومی و خیابان بکشانند، مخالف حضور شهروندان ایران با هر سبک زندگی متفاوت در خیابان باشند.

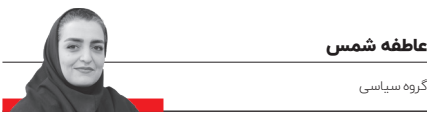
آنان همواره تلاش کرده‌اند، مردم را در طیف مورد علاقه خود تعریف کنند و هرگونه تفاوت را از پایه منکر و سانسور کنند و با تعریف سیستم‌هایی مانند گشت ارشاد در ده‌های مختلف کوشیدند این حضور و شرایط مشابه را محدود و سرکوب کنند. دسته دوم مخالفین، طیفی از نیروهای سیاسی هستند که یک سر آن به براندازان خارجی می‌رسد. این گروه با حمله اسرائیل، منتظر از هم پاشیدن ساختار اجتماعی ایران بودند تا پس از آن بتوانند تأثیر نهایی خود را بگذرانند. آنان همواره چه در دوران جنگ ایران و اسرائیل و چه قبل از آن، مردم را به حضور اعتراضی همراه با درگیری خشن در خیابان‌ها دعوت می‌کردند. طبیعی است که هرچه درگیری خشن‌تر و پر برخوردتر باشد برای این طیف دلچسب‌تر است. بنابراین حضور پر تعداد مردم این بار به صورت مسالمت‌آمیز و برای رویدادی هنری برپاشان خوشایند نبود. اما طیفی از مخالفین که جدی‌تر ین آنها در داخل کشور فعالیت می‌کنند از تحریم‌کنندگان انتخابات سسال قبل نیز بودند. این گروه پس از صحبت‌ها و ارسال پالس‌هایی از طرف افراد مختلف در حاکمیت، به‌خصوص پس از جنگ نابرابر ایران و اسرائیل، مبنی بر شنیده شدن صدای مردم و تحریم‌کنندگان انتخابات در انتظار برنامه‌ای شفاف‌تر، واضح‌تر و ساختاری‌تر بودند. آنان معتقدند برگزاری یک کنسرت، آن هم با اما و اگرهای زیاد، پاسخگوی مسائل زیربنایی و جدی‌تر جامعه نیست و در بهترین حالت، همان شیوه گفتاردرمانی سابق است و سودی برای حال امروز جامعه ندارد. خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت در صحبتی عجیب اظهار کرد: برگزار نشدن کنسرت همایون شجریان دلایلی داشت که در اختیار دولت نبود! او گفت: «متأسفانه به دلایلی که خارج از اراده دولت بود این برنامه به نتیجه نرسید. ما می‌دانیم این موضوع سبب ناراحتی و دل‌سردی بسیاری از هموطنان شد». برگزاری کنسرت خیابانی در سایر کشورها مدت‌هاست که تبدیل به یک برنامه روتین و معمولی شده است. اجرای آن نه دستاوردی فوق‌العاده محسوب می‌شود و نه چالشی سیاسی؛ شهروندان بنا به علاقه‌مندی خود در آن شرکت می‌کنند. بی‌تردید هر زن و مرد هنرمندی حق دارد، برنامه هنری خود را ارائه دهد و مخاطبین نیز باید آزادانه بتوانند همه سلایق هنری را بشنوند و قضاوت کنند. نکته حائز اهمیت، اخذ صدور مجوز از بخش سخت تصمیم‌گیر امنیتی حاکمیت بود که توانسته به این اعتماد به‌نفس برسد که حضور طیف‌های مختلف مردم در خیابان باعث تقویت چارچوب‌های جامعه و انسجام ملی می‌شود و زیست مسالمت‌آمیزتری در جامعه به وجود می‌آید. اما با منتفی شدن برگزاری کنسرت به دلایل متعدد مشخص شد هنوز در ساختار رسمی کشور، جمع‌بندی مشخص و دقیقی برای چنین مراسمانی وجود ندارد و هرگونه فعالیت اجتماعی خارج از تعریف رسمی پذیرفته نمی‌شود. بدون شک اگر این کنسرت نیز اجرا می‌شد به معنای تغییرات گسترده و سریع در نگاه جریان‌های تصمیم‌گیر کشور نبود و از سوی تحلیل‌گران و مردم با شک و تردید نگر بسته می‌شد. با این حال می‌توانست، گامی مهم برای رفع امنیتی‌زدایی از عرصه هنر و مناسبات اجتماعی باشد. اکنون اما با لغو مجوز، دوباره موضوع مهم ظرفیت حکمرانی در جامعه مطرح می‌شود؛ ظرفیتی که تکلیفش با خودش مشخص نیست و با وجود اجماع نظری در زمان بحران پر لزوم تغییرات در عمل دچار لنگش شده و باعث سرخورگی گسترده در جامعه می‌شود. در چنین شرایطی با وجود مسائل بسیار مهم و اساسی که نیازمند تصمیمات سخت و جدی است این عدم برگزاری نشان داد راه‌حل‌های ویتربنی و سادسازی شده، نمی‌تواند میانبری برای حل مشکلات باشد. هرچند طرح‌هایی مانند برگزاری کنسرت عمومی یا صدور گواهینامه موتورسواری بانوان ضروری و ارزشمند است اما ظرفیت دولت (حکمران) برای حل مسائل همچنان پایین و ناقص است و با وجود نیاز به تحول هنوز قادر نیست، تغییرات بنیادین در حوزه‌هایی چون عدم دخالت در انتخابات تشکلهای صنفی و مدنی، عدم دخالت در اقتصاد، رفع سانسور و هزاران مسأله‌ای که تاکنون اراده‌ای برای حل آن نبوده، ایجاد کند.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

سنت زیر سایه دولت

نهادهای مذهبی مستقل چگونه دولتی شدند؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

بحث درباره بودجه نهادهای مذهبی و فرهنگی کشور، به‌ویژه پس از تأکید رئیس‌جمهور بر کاهش بودجه نهادهای کم‌بازده، تمرکز بیشتر بر معیشت مردم و ضرورت اجرای نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد که اجرای پایلوت آن در بخش‌هایی همچون آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان، آموزش عالی و آموزش فنی- حرفه‌ای به زودی آغاز می‌شود- بار دیگر مطرح و سبب شده که نگاه‌ها به شیوه تخصیص و مدیریت این بودجه‌ها جدی‌تر شود. از جمله نکاتی که در کنار ضرورت کاهش بودجه برخی نهادها و تخصیص بودجه بیشتر به نهادهایی که با معیشت و سلامت جامعه سر و کار دارند، مطرح می‌شود، تأکید بر اهمیت استقلال مالی حوزه‌ها و پرهیز از وابستگی به منابع دولتی است.

پیش‌تر آیت‌الله مصطفی محقق‌داماد، استاد حوزه و دانشگاه در اظهاراتی گفته بود: «اولین کسی که این اشتباه را کرد و برای حوزه بودجه تعیین کرد، آقای محمد خاتمی بود». او هشدار داده بود که وابستگی مالی حوزه‌های علمیه به دولت، استقلال و حریت تاریخی این مراکز را تضعیف کرده و آنها را از جایگاه بی‌طرفانه‌شان در جامعه دور می‌کند.

محقق‌داماد تأکید کرد که حوزه باید بر منابع مردمی تکیه کند و اداره امور خود را بدون کمک مستقیم دولت پیش ببرد؛ چراکه تجربه تاریخی نشان داده، حوزه‌ای مستقل از سیاست بیشترین تأثیر اجتماعی و معنوی را داشته است. او به تجربه حوزه قم در دوران شیخ‌عبدالکریم حائری و آیت‌الله بروجردی اشاره کرد و گفت که «جدايي حوزه از سياست شرط اصلي حفظ اعتبار و آبروي روحانيت» بوده است.

نقدها به بودجه بدون نظارت و کارکرد

پس از آن، دو فعال سیاسی، فیاض زاهد و محمد مهاجری نیز در یادداشتی مشترک در روزنامه اعتماد به موضوع بودجه کلان نهادهای مذهبی واکنش نشان دادند. آنها با اشاره به تاریخ دیوان‌سالاری و نظام بودجه‌ریزی در ایران، تأکید کردند که بودجه همواره یکی از ابزارهای کلیدی دولت‌ها برای تحول اقتصادی و اجتماعی بوده اما دخالت‌های سیاسی این ابزار را ناکارآمد کرده است.

به گفته آنها، وابستگی نهادهای مذهبی به بودجه دولت نه تنها استقلال و هویت تاریخی آنها را تضعیف کرده بلکه این نهادها را به بنگاه‌هایی برای دروزن خدمت سربازی، اشتغال زودرس در ادارات و حتی اهداف سیاسی تبدیل کرده است. این فعالان هشدار دادند

تحلیل روز

علی مطهری خطاب به رئیس‌جمهور:

ابتکار عمل را به دست گیرید و کشور را به ساحل نجات برسانید

علی مطهری، نایب رئیس مجلس دهم در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور از پزشکیان خواسته که به عنوان نماینده ملت و رئیس شورای امنیت ملی، ابتکار عمل در مذاکرات با آمریکا را به دست گیرد و کشور را به «ساحل نجات» برساند. او پیشنهاد کرده اکنون که وزیر امور خارجه آمریکا درخواست مذاکره با ایران را دارد، ایران اعلام کند در صورتی حاضر به مذاکره است که واشنگتن شرط غنی‌سازی صفر را کنار بگذارد، تضمین دهد حمله نمی‌کند و خسارت حمله قبلی را جبران کند. به زعم او، این پیشنهاد، در صورت تصویب شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبری، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تنش و ایجاد اتحاد داخلی داشته باشد. متن نامه مطهری به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر پزشکیان

رئیس‌جمهور محترم

با اهدا سلام و آرزوی توفیق بیشتر برای دولت چهاردهم، نظر به شرایط خطیر کشور، لازم است جنابعالی به عنوان نماینده ملت و رئیس شورای عالی امنیت ملی، ابتکار عمل را به دست گیرید و کشور را به ساحل نجات برسانید. پیشنهاد می‌کنم اکنون که وزیر امور خارجه آمریکا درخواست مذاکره با ایران کرده است، وزارت امور خارجه ایران اعلام نماید در صورتی که آمریکا التزام غنی‌سازی صفر را کنار بگذارد و تضمین بدهد که مجدداً حمله نمی‌کند و



که تخصیص بودجه بدون نظارت دقیق و ارزیابی عملکرد، کارکرد اصلی این نهادها را به خطر می‌اندازد و بار مالی غیرضروری بر منابع عمومی تحمیل می‌کند.

پول‌پاشی بی‌اثر و نیروی انسانی مازاد

در روزهای اخیر، غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی نیز به این بحث ورود کرده است. او با بیان اینکه روند «پول‌پاشی به نهادها» از دولت سیدمحمد خاتمی آغاز شد، توضیح داد که در آن زمان دولت به دلیل فضاسازی‌های سیاسی و فشارهای مختلف، ناچار شد بودجه‌هایی برای برخی نهادها اختصاص دهد. این روند در دولت‌های بعدی، از جمله احمدی‌نژاد و روحانی، تشدید شد و به ابزاری برای اهداف سیاسی تبدیل شد. وی خاطرنشان کرد که اصلاح این روند نیازمند بازنگری جدی در ساختار و کاهش نیروی انسانی و هزینه‌های غیرضروری در نهادها است. به گفته کرباسچی، بسیاری از پرسنل دولت و نهادها وظایف اضافه و ساختگی دارند و پرداخت



حقوق و مزایای آنان بیش از ۹۰ درصد بودجه را مصرف می‌کند بدون آنکه اثری محسوس در زندگی مردم یا توسعه فرهنگی و اجتماعی داشته باشد.

کرباسچی در ادامه بر ضرورت بودجه عملیاتی مبتنی بر اثرگذاری واقعی در جامعه تأکید کرد و با اشاره به تجربه مؤسسات و بنیادهایی که بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند اما خروجی ملموسی ندارند، تصریح کرد که دولت باید بر اساس کارآمدی و اثرگذاری دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و مذهبی بودجه اختصاص دهد. به‌منوان نمونه وی از صداوسیما و سازمان‌های مذهبی یاد کرد که با وجود دریافت بودجه‌های کلان نمی‌توانند، تأثیری قابل مقایسه با گذشته در جذب مردم به نماز جمعه یا سایر فعالیت‌های دینی و فرهنگی ایجاد کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که افزایش صرف بودجه بدون ارزیابی اثرگذاری، نه تنها کمکی به اهداف فرهنگی نمی‌کند بلکه موجب نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی هم می‌شود.

دفاعیه دولت خاتمی

در نقطه مقابل، مصطفی درایتی، مشاور امور روحانیت سیدمحمد خاتمی اخیراً در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرد که هدف دولت خاتمی، شفاف‌سازی و نظم دادن به بودجه نهادهای مذهبی بوده است. وی گفت: «پیش از دولت خاتمی نیز اعتبارات مختلفی به حوزه‌ها پرداخت می‌شد اما هیچ مدیریت و شفافیتی بر نحوه هزینه‌کرد وجود نداشت. دولت اصلاحات با هدف ساماندهی این منابع، آنها را به مسیر مشخصی مانند بیمه تامین اجتماعی طلاب هدایت کرد تا از فساد و سوءاستفاده جلوگیری شود». به گفته درایتی، افزایش بودجه‌های بعدی و پرداخت‌های گسترده‌تر به نهادهای مذهبی پس از خاتمی رخ داده و ربطی به دولت اصلاحات ندارد.

ضرورت اصلاح ساختار و شفافیت

مجموعه این اظهارات نشان می‌دهد که مساله بودجه نهادهای مذهبی و فرهنگی، یک چالش صرفاً سیاسی نیست بلکه رشه‌ای

تاریخی و ساختاری دارد. وابستگی این نهادها به دولت نه تنها استقلال و هویت آنها را تحت فشار قرار داده بلکه امکان استفاده از منابع مردمی در بهبود معیشت عمومی را کاهش داده است. به نظر می‌رسد برای اصلاح این وضعیت سه راهبرد اصلی ضروری است؛ اجرای بودجه عملیاتی و مبتنی بر اثرگذاری واقعی به گونه‌ای که تخصیص بودجه بر اساس خروجی ملموس و قابل اندازه‌گیری باشد. کاهش وابستگی نهادهای مذهبی به منابع دولتی و تقویت منابع مردمی و خصوصی و در نهایت، شفاف‌سازی کامل فرآیند تخصیص و هزینه‌کرد بودجه به شکلی که همه مراحل قابل رصد و ارزیابی عمومی باشد. یکی از مهم‌ترین نکات در این تحلیل، توجه به عملکرد واقعی نهادها و دستگاه‌است که کرباسچی نمونه مشخصی از آن ارائه داده است؛ صداوسیما با بودجه‌ای معادل ۲۹ هزار میلیارد تومان، شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی، پرسنل فراوان و تولیدات متنوع با کاهش ضریب نفوذ و جذب مخاطب مواجه است، در حالی که بودجه عملیاتی باید بر اساس اثر بخشی واقعی و نه صرفاً وجود نهاد تخصیص یابد. همین نکته درباره نهادهای مذهبی و سایر نهادهای فرهنگی نیز صادق است. بودجه نهادهای مذهبی و فرهنگی تنها زمانی می‌تواند، اثربخش باشد که با سه اصل شفافیت، استقلال و ارزیابی عملکرد همراه شود. اختصاص بودجه صرفاً بر اساس وابستگی‌های سیاسی نه تنها کارآمد نیست بلکه اعتماد عمومی را کاهش و کارکرد نهادها را تضعیف می‌کند. اصلاح این روند نیازمند اراده سیاسی قوی، بازنگری در ساختارها و مدیریت بهینه منابع است. در غیر این صورت با دنبال مقصر بودن و فقط سخن گفتن از ضرورت اصلاح بودجه، اثر ملموسی در زندگی مردم و توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور ایجاد نمی‌شود.

مکه بدون خونریزی فتح شد.

تحلیل این پیشنهاد این است که در ابتدا یا آمریکا شروط ما را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد. اگر نپذیرد و مذاکره منتفی شود، اتمام حجتی است برای ملت ما و سایر ملت‌ها و در صورتی که جنگ دوباره‌ای را آغاز کنند، اتحاد مردم شدیدتر خواهد بود. اما اگر شروط ما را بپذیرد- و با توجه به کیش شخصیت ترامپ احتمال پذیرفتن آن وجود دارد- و مذاکره برقرار شود و ایران پیشنهادات اقتصادی نیز مطرح کند یا به توافق برد- برد می‌رسیم و یا به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. اگر به توافق عادلانه برسیم، مطلوب ماست و اگر به نتیجه نرسیم باز اتمام حجتی است بر مردم ما و همه جهان که ایران تمام تلاش خود را برای به نتیجه رسیدن دیپلماسی انجام داد، این آمریکا بود که با زورگویی مذاکره را ابتر کرد. در نتیجه اگر حمله دوباره‌ای به کشور شود، باز اتحاد ملت دوجندان خواهد بود.

این پیشنهاد در صورت عملی شدن، هم اروپا و هم رژیم اشغالگر را خلع سلاح می‌کند چراکه می‌تواند هم اسنپ‌بک را منتفی کند و هم فاصله‌ای میان آمریکا و رژیم صهیونی ایجاد نماید. البته بدیهی است که در طول این مدت و در همه این حالات باید اتحاد ملت و آمادگی نیروهای مسلح در بالاترین سطح باشد. مستدعی است، اقدام مقتضی در خصوص این پیشنهاد مبذول فرماید.

ادامه تیتربک

آرایش جنگی

این تصمیم، به رهبری ترامپ و وزیر جنگ او، پیت هگست، از سوی دولت به‌عنوان گامی ضروری برای احیای «اخلاق جنگاوری» و نمایش قدرت و اراده ایالات متحده در عرصه جهانی معرفی شده است. با این حال منتقدان به سرعت نسبت به پیامدهای دیپلماتیک و مالی این اقدام هشدار داده و هدف و تأثیر واقعی آن را زیر سؤال برده‌اند. ترامپ در مراسم امضای فرمان اجرایی، مدعی شد که موفق به پایان دادن به ۷ جنگ شده و در حال تلاش برای خاتمه دادن به جنگ روسیه در اوکراین است. او در دفاع از تغییر نام وزارت دفاع به وزارت جنگ گفت: «با توجه به شرایط فعلی جهان، نام وزارت جنگ بسیار مناسبتر است». در پی اعلام این تصمیم، پنتاگون بلافاصله اقدام به تعویض تابلوها در ساختمان پنج‌ضلعی خود در آrlینگتون ویرجینیا کرد. عنوان پیت هگست از «وزیر دفاع» به «وزیر جنگ» تغییر یافت و معاون او، استیو فاینبرگ نیز به «معاون وزیر جنگ» منصوب و از لوگوی جدید «وزارت جنگ آمریکا» نیز رونمایی شد. هگست در گفت‌وگویی صریح با خبرنگاران اظهار کرد: «وزارت جنگ با قاطعیت وارد میدان می‌شود و درگیر جنگ‌های بی‌پایان نخواهد شد. هدف ما پیروزی است نه صرفاً جلوگیری از شکست. ما به‌جای دفاع صرف به حمله روی خواهیم آورد و از حداکثر توان رزمی و قدرت تخریبی خود بهره خواهیم گرفت بی‌آنکه درگیر ظواهر قانونی یا ملاحظات سیاسی شویم.» او همچنین تأکید کرد که ایالات متحده از این پس رویکردی تهاجمی‌تر اتخاذ خواهد

خاورمیانه

خلع سلاح یا خلع ثبات؟

نشست شبانه دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله

در تحولی مهم و جنجالی، هیأت وزیران دولت لبنان در نشست شبانه روز جمعه، طرح «انحصار سلاح در دست دولت» را تصویب کرد؛ طرحی که در فضای سیاسی و رسانه‌ای لبنان به عنوان گامی در جهت خلع سلاح حزب‌الله تعبیر شده است. این تصمیم با واکنش‌های تند و گسترده‌ای از سوی رهبران حزب‌الله و متحدان آن روبه‌رو شد و بار دیگر شکاف‌های عمیق سیاسی و امنیتی در لبنان را آشکار کرد.

واکنش تند حزب‌الله: هشدار درباره فروپاشی امنیت ملی

پیش از این شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنرانی خود به مناسبت مراسم اربعین امام حسین (ع) در شهر بعلبک به شدت از تصمیم دولت انتقاد کرد. او این اقدام را «خدمت به طرح اسرائیل» دانست و تأکید کرد که وظیفه دولت، ساختن کشور است نه واگذاری آن به دشمن. وی تصمیم اخیر دولت را «بسیار خطرناک» توصیف کرد و هشدار داد که این اقدام «ميثاق ملی را نقض کرده و امنیت ملی را نابود می‌کند». شیخ نعیم قاسم همچنین دولت را مسئول کامل هرگونه فتنه احتمالی، انفجار اوضاع داخلی و ویرانی لبنان دانست و آن را متهم به ترک وظیفه‌اش در دفاع از خاک و شهروندان کشور کرد.

خروج وزرای شیعه از جلسه کابینه

غالب ابوزنوب، عضو شورای سیاسی حزب‌الله در گفت‌وگو با شبکه الجزیره اعلام کرد که تمامی وزرای وابسته به احزاب شیعه در اعتراض به طرح خلع سلاح، جلسه هیأت وزیران را ترک کرده‌اند. او این اقدام را نشانه‌ای از ورود لبنان به یک بحران سیاسی بسیار خطرناک دانست و تأکید کرد که مسئولیت آنچه در جلسه رخ داده بر عهده رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر است. وی افزود که گام بعدی شیعیان بر اساس تحولات و نتایج جلسه دولت تعیین خواهد شد. ابوزنب همچنین اظهار کرد که هنوز برای قضاوت درباره موضع ارتش لبنان زود است و باید منتظر ارزیابی طرح ارائه شده از سوی ارتش بود. او خاطرنشان کرد که حزب‌الله حق دارد به خیابان بیاید یا از دولت استعفا دهد و همه گزینه‌های ممکن را برای اقدامات آینده بررسی خواهد کرد.

دفاع از مشروعیت سلاح مقاومت

علی عمار، عضو فراکسیون حزب‌الله در پارلمان لبنان در

کرد و به دنبال «بیشترین میزان کشتار» خواهد بود. وزارت جنگ، یکی از نهادهای اصلی دولت آمریکا در سال ۱۷۸۹ تأسیس شد و برای بیش از یک قرن‌و نیم، مسئول هدایت ارتش در جنگ‌های مهمی چون جنگ ۱۸۱۲ تا جنگ جهانی دوم بود. نام آن، بازتابی صریح از مأموریت اصلی‌اش بود. اما با پایان جنگ جهانی دوم و آغاز عصر هسته‌ای، ساختار و فلسفه نظامی کشور دستخوش بازنگری شد. در سال ۱۹۴۷ رئیس‌جمهور هری اس. ترومن قانون امنیت ملی را امضا کرد که ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی تازه تأسیس را در قالب یک ساختار واحد گردهم آورد. اصلاحیه‌ای در سال ۱۹۴۹ نام این نهاد را به «وزارت دفاع» تغییر داد، تغییری که فراتر از ظاهر، حامل پیامی استراتژیک بود: تأکید بر بازدارندگی و پیشگیری از درگیری به جای ستایش آشکار جنگ.

کاخ سفید اعلام کرده است که بازگشت

به نام «وزارت جنگ» هم جنبه ماهوی دارد و

هم نمادین. ترامپ و هگست بارها استدلال کرده‌اند که عنوان «وزارت دفاع» بیش از حد محافظه‌کارانه است و نمی‌تواند، گستره واقعی مأموریت ارتش آمریکا را بازتاب دهد. آنها این



تغییر را بازگشت به دوران برتری نظامی بی‌چون‌وچرای ایالات متحده می‌دانند، دورانی که به‌زعم آنان، ملت آمریکا به «تاریخ پیروزی‌های باورنکردنی» دست یافت. به بساور آنها، نام جدید پیامی صریح و قاطع به دشمنان می‌فرستد: ایالات متحده آماده درگیری برای دفاع از منافع خود است. هگست از حامیان سرسخت این دیدگاه، تأکید کرده که این تغییر نشان‌دهنده، گذار از حالت دفاعی به تهاجمی و ترویج «حداکثر مرگ و میر» به جای «مشروعیت سست» است.

تغییر نام وزارتخانه‌ها در آمریکا بسیار نادر است و نیازمند تصویب کنگره. با این حال ترامپ در حالی که حزب جمهوری‌خواه او اکثریت را در هر دو مجلس نمایندگان و سنا در اختیار دارند، مشروعیت این الزام قانونی را زیر سؤال برده است.

این تغییر نام، هزینه‌بر خواهد بود و نیازمند اصلاح تابلوها، سربرگ‌ها و اسناد رسمی نه‌تها در پنتاگون بلکه در پایگاه‌های نظامی سراسر جهان است. برای نمونه، تلاش رئیس‌جمهور پیشین، جو بایدن، برای تغییر نام ۹ پایگاه نظامی مرتبط با کنفدراسیون قرار بود ۳۹ میلیون دلار هزینه داشته باشد، اقدامی که توسط هگست لغو شد.

با این حال، بسیاری از مقام‌های پنتاگون از این تغییر خشمگین‌اند و هنوز مشخص نیست که چگونه با آن کنار خواهند آمد. دولت همچنین تلاش کرده است تا این تغییر را در چارچوب سیاست خارجی «اول آمریکا» توجیه کند. رویکردی که به‌زعم آنان، مسیر «صلح از طریق قدرت» را هموار می‌کند. آنها معتقدند که با نمایش قدرت نظامی بی‌نظیر، می‌توان

گرفته و مقرر شده است که ارتش، ماهیانه گزارش عملکرد خود را به دولت ارائه دهد. شرط اساسی برای اجرای کامل این طرح، توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی و عقب‌نشینی از مواضع اشغالی عنوان شده است. از دیگر محورهای این طرح می‌توان به تقویت ایست‌های بازرسی، کنترل مرزهای لبنان- سوریه، بستن گذرگاه‌های غیرقانونی، جلوگیری از قاچاق سلاح و مواد مخدر و جمع‌آوری سلاح از اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی اشاره کرد.

مواضع رسمی و محرمانه‌سازی مذاکرات

پس مل مقرض، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان در کنفرانس مطبوعاتی پس از نشست کابینه که توسط وزرای شیعه تحریم شده بود، اعلام کرد که مذاکرات مربوط به طرح ارتش برای خلع سلاح مقاومت محرمانه خواهد ماند. در همین حال، یک منبع مسئول آمریکایی در گفت‌وگو با شبکه «ال‌بی‌سی‌آی» لبنان، مصوبه کابینه را «نسبتاً مثبت» ارزیابی کرد و گفت که باید منتظر جزئیات بیشتر از سوی ارتش بود. بر اساس گزارش‌ها، بیانیه نهایی طرح ارتش شب قبل از جلسه کابینه با هماهنگی میان جوزف عون (فرمانده ارتش)، نبیه بری (رئیس پارلمان) و نواف سلام (نخست‌وزیر) تدوین شده است. نبیه بری نیز پس از جلسه کابینه اظهار کرد که «اوضاع مثبت است» و «بادهای سمی شروع به فروکش کرده‌اند». او معتقد است که طرح ارتش می‌تواند، صلح داخلی را حفظ کند.

تعادل شکننده میان امنیت، سیاست و مقاومت

با توجه به مواضع حزب‌الله و طرح ارتش، آینده این بحران به شدت وابسته به تحولات منطقه‌ای و نقش بازیگران خارجی مانند ایران، سوریه، اسرائیل و کشورهای غربی خواهد بود. حزب‌الله همچنان بر حفظ سلاح خود تا زمان پایان اشغالگری اسرائیل تأکید دارد و این موضوع نشان می‌دهد که بحث خلع سلاح مقاومت همچنان در صدر مسائل سیاسی لبنان باقی خواهد ماند. حل این بحران نیازمند دیالوگی ملی، درک مشترک از تهدیدات خارجی و توازن میان استقلال سیاسی و امنیت ملی است. لبنان در آستانه انتخاباتی سرنوشت‌ساز قرار دارد: تثبیت دولت یا ورود به چرخه‌ای جدید از بی‌ثباتی و درگیری داخلی.

از وقوع درگیری‌ها جلوگیری کرد. هرچند این منطق در ظاهر متناقض به نظر می‌رسد-ترویج «وزارت جنگ» به نام صلح- اما به دکتربین‌های تاریخی سیاست خارجی آمریکا شباهت دارد که قدرت‌نمایی را ابزاری برای بازدارندگی می‌دانند. با این حال منتقدان، منطق دولت را زیر سؤال برده‌اند و به تضاد آشکار میان شعار «طرفدار صلح» و تغییر نام نهاد مرکزی ارتش به «وزارت جنگ» اشاره می‌کنند. آنها این اقدام را تلاشی برای تحریک پایگاه سیاسی ترامپ می‌دانند. پایگاهی که خواهان رویکردی تهاجمی‌تر و مستقل‌تر از نهادهای بین‌المللی است.

فراتر از هزینه‌های مالی نگرانی‌های دیپلماتیک نیز مطرح است. منتقدان هشدار می‌دهند که عنوان «وزارت جنگ» می‌تواند، متحدان را بیگانه کند و به دشمنان این امکان را بدهد که ایالات متحده را به‌عنوان کشوری متجاوز معرفی کنند. نام «وزارت دفاع» انتخابی استراتژیک بود که تعهد آمریکا به همکاری بین‌المللی و حاکمیت قانون را پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌داد. بازگشت به نام قدیمی، به‌زعم منتقدان، این میراث را تضعیف کرده و ممکن است به‌عنوان عقب‌نشینی از دیپلماسی و گرایش به اقدامات نظامی یک‌جانبه تعبیر شود. بسیاری از متحدان آمریکا که خود دارای وزارتخانه‌های دفاع هستند، ممکن است این تغییر را نشانه‌ای از انزواطلبی و ستیزه‌جویی فزاینده ایالات متحده تلقی کنند. این اقدام پر سر و صدای ترامپ در حالی صورت می‌گیرد که خاورمیانه روزهای پرتلاطمی را پشت سر می‌گذارد: از همراهی آمریکا با اسرائیل در حملات به غزه تا جنگ‌های جاری در لبنان و یمن همچنین بمباران تأسیسات هسته‌ای نظنز و اصفهان در یکم تیرماه سال جاری. ترامپ در حالی مدعی پایان جنگ‌ها شده که هنوز سرنوشت پرونده‌هایی چون غزه و اوکراین نامشخص باقی مانده و نشان می‌دهد رفتار او با وعده‌هایی که می‌دهد، فاصله زیادی دارد.

ترجمه

معمای بازسازی برنامه هسته‌ای

ریچارد نفیو:

دیپلماسی، بهترین راه مهار هسته‌ای ایران

«ریچارد نفیو»، معمار تحریم‌های ایران در دولت اوباما، در یادداشتی برای اندیشکده موسسه واشنگتن به بررسی وضعیت برنامه هسته‌ای ایران پس از حمله به تأسیسات آن پرداخت. او می‌گوید با وجود ادعای اولیه دولت ترامپ مبنی بر نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران، سازمان‌های مختلفی چون سیا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این نتیجه رسیدند که ایران می‌تواند طی چند ماه یا چند سال به پیشرفت‌های هسته‌ای دست یابد.

به اعتقاد نفیو، اختلاف‌نظر درباره میزان خسارات ناشی از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به تفاوت در تعریف واژه «بازسازی» برمی‌گردد. او چهار گزینه اصلی را برای بازسازی برنامه هسته‌ای ایران مطرح می‌کند:

- تمرکز بر همکاری هسته‌ای غیرنظامی خارجی:** در این حالت، ایران برنامه خود را به راکتورها و سوخت‌های وارداتی محدود می‌کند. این گزینه با اینکه احتمال از دست دادن دارایی‌ها در جنگ را کاهش می‌دهد اما به دلیل وابستگی به خارج، بعیدترین گزینه است.
- بازسازی کامل و اعلام شده:** ایران برنامه هسته‌ای خود را به سطح قبل از حمله بازمی‌گرداند و تأسیسات آن را برای بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام می‌کند. این فرآیند زمانبر و پرهزینه است اما مزایای فناوری و سیاسی دارد.

- بازسازی کامل و اعلام نشده:** ایران تلاش می‌کند تا تأسیسات هسته‌ای خود را بدون اعلام به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جلوگیری از بازرسی‌ها بازسازی کند. این گزینه به ایران اجازه می‌دهد تا اهداف خود را مبهم نگه دارد و در عین حال به مزایای بازسازی کامل دست یابد.

- اصلاح کلی برنامه:** ایران برنامه هسته‌ای خود را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که به جای بازسازی قابلیت‌های تخریب شده بر حفظ گزینه‌های تسلیحاتی با تأسیسات کوچک‌تر و اعلام نشده تمرکز کند.

نفیو به دولت ترامپ توصیه می‌کند با این فرض عمل کند که ایران توانایی بازسازی برنامه هسته‌ای خود را دارد. او همچنین تأکید می‌کند که بهترین راه برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران، دیپلماسی و دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید با مفاد بازرسی‌های سرزده است. او معتقد است که دولت آمریکا باید با اعمال کنترل‌های صادراتی و ممنوعیت انتقال فناوری از توانایی ایران برای اجرای هر یک از این گزینه‌ها جلوگیری کند.





سال هشتم شماره ۲۰۵۶
یک‌شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴

گزارش روز

ذره‌ای از انتشار بیانیه

پشیمان نیستیم

همایون اسعدیان درباره چرایی کناره‌گیری از کمیته اسکار توضیح داد

نشست خبری همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما صبح ۱۵ شهریور برگزار شد و وی درباره موضوعاتی چون حواشی مربوط به آکادمی معرفی فیلم به اسکار، بیمه هنرمندان، مراسم روز ملی سینما و مواردی دیگر صحبت کرد.

وی ابتدا در رابطه با آکادمی معرفی فیلم به اسکار توضیح داد: این نگاه در شخص آقای وزیر وجود دارد که مسائل مربوط به صنوف را به خود صنوف واگذار کند. ما ۹ نفر را به آکادمی معرفی کردیم اما بعدها متوجه می‌شووند که با ۳ نفر از این دوستان تماس گرفته نشده و دوستان ما این حرکت را خلف وعده حساب کردند و در جلساتی با وزارت ارشاد تصمیم گرفتیم، اعلام کنیم که برگزارکننده آکادمی، آشکارا بنیاد فارابی است نه خانه سینما.

وی متذکر شد: دیشب با ۵ نفر از این دوستان تماس گرفتیم و آنها قصد داشتند به احترام خانه سینما همگی استعفا کنند اما ما خواهش کردیم با توجه به تبعات این موضوع حتماً در جلسه بنیاد فارابی شرکت کنند. سعی می‌کنیم که این اتفاق را به شکل یک مشکل درونی نگاه کنیم زیرا می‌تواند تبعات گسترده‌ای داشته باشد. طی مناسبات سیاسی که ما در جهان داریم خیلی‌ها بدشان نمی‌آید که سهمیه ایران برای معرفی به آکادمی اسکار حذف شود همان‌طور که سهمیه روسیه را حذف کردند. برای حفظ سهمیه و احترام به دوستانی که فیلم‌شان در سال گذشته اکران شده است، آکادمی باید برگزار شود و فیلمی را به اسکار ارائه کنیم. به امید خدا شاید سال آینده این درگاه را به خانه سینما و صنوف انتقال دهیم.

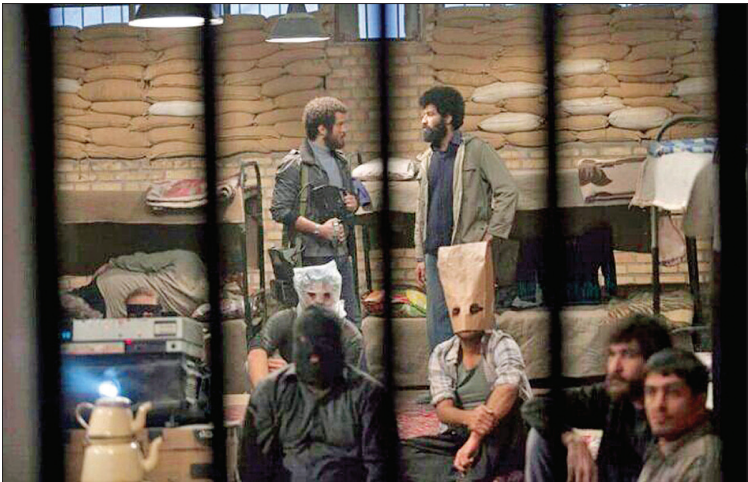
اسعدیان در پاسخ به پرسش خبرنگار سازندگی درباره اینکه این‌طور به نظر می‌رسد که مدیرعامل خانه سینما از انتشار این بیانیه ابراز پشیمانی می‌کند، تاکید کرد: ما ذره‌ای از بیانیه‌ای که منتشر کردیم، پشیمان نیستیم. ما بیانیه‌ای دادیم که می‌توان برداشت‌های متفاوتی از آن داشت. لیست ۹ نفره کمیته اسکار برای آکادمی ارسال و تایید شده است و نمی‌توان اکنون از این کمیته استعفا داد. ما به هیچ عنوان در تقابل با سازمان سینمایی و وزارت ارشاد قرار نداریم. خانه سینسیما ۹ نفر را به آکادمی اسکار معرفی کرد اما ۳ نفری که از طرف سازمان سینمایی در آکادمی قرار گرفتند نیز از نظر خانه سینما قابل احترام هستند. در کل کمیته اسکار برای من قابل احترام است. مدیرعامل خانه سینما درباره مراسم روز ملی سینما تصریح کرد: دوستان در هیات مدیره مصوب کردند که پس از حدود ۷ سال امسال جشن خانه سینما را برگزار کنیم. حتی مصطفی کلبایی نیز به عنوان دبیر جشن انتخاب شده بود اما جنگ ۱۲ روزه همه چیز را به هم ریخت. در شرایط کنونی شاید واژه جشن نوعی توهین به مردم باشد اما ما تصمیم گرفتیم، روز سینما را برای تجلیل از سینما برگزار کنیم. ما مراسم روز جمعه ۲۱ شهریور در روز سینما را به عنوان یک گرامیداشت برگزار می‌کنیم. در این مراسم جایزه‌ای اهدا نخواهد شد زیرا ارزیابی‌ای صورت نگرفته است. مراسم ساعت ۱۹ در موزه سینما برگزار می‌شود و قطعاً با تعداد افراد کمتری برگزار می‌شود. اسعدیان در پاسخ به پرسش خبرنگار مهر درباره برگزاری مراسم بزرگداشت و نکوداشت در روز ملی سینما گفت: روز جمعه مراسم نکوداشت و بزرگداشتی برگزار نمی‌شود اما دوستان برگزاری جشن مشغول برنامه‌هایی هستند که اعلام خواهد شد. اسعدیان در پاسخ به پرسشی درباره برنامه‌هایش برای خانه سینما گفت: خیلی فکرها در سر ما قرار دارد و اینگونه نیست که کسی نخواهد، کاری انجام دهد. ما در خانه سینما روی قیر حرکت می‌کنیم و باید با سختی زیادی به جلو حرکت کنیم. بودجه خانه سینما در سال گذشته ۱۸ میلیارد تومان بوده که متمم ۳ میلیاردی هم به آن اضافه شد اما صرفاً ۱۴ میلیارد از این بودجه دریافت شد. درحالی‌که هزینه‌های جاری خانه سینما در سال حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد تومان است. بسا این محدودیت تلاش داریم، خانه را پیش ببریم. با وعده‌ای که از سازمان برنامه و بودجه دریافت کرده‌ایم، قرار است برنامه روز ملی سینما را هم با بودجه جداگانه برگزار کنیم نه از بودجه کلی خانه سینما. پیدا کردن اسپانسر هم به دلیل جو روانی حاکم بر جامعه بسیار سخت است. دنبال این هستیم که بخش‌های منفعل را فعال کنیم از جمله کارگاه‌ها، برنامه‌های آموزشی و ... مثلاً قصد داریم با وزارت ارشاد تعاملی داشته باشیم و با بیمارستان معتبری برای ارائه خدمات به اعضا قرارداد ببندیم. مدیرعامل خانه سینما درباره تاثیر خانه سینما در شورای صنفی نمایش عنوان کرد: شورای صنفی نمایش حداقل از ۲۰ سال پیش در خانه سینما بوده است. یک اختلافی میان اعضای شورای صنفی برای انتخاب دبیر شورا وجود داشت که با توافقی درون‌گروهی موضوع حل شد. شورای صنفی نمایش نیز هر هفته در خانه سینما برگزار می‌شود. در رابطه با کمک به جشنواره جهانی فجر باید دید که آقای حسینی، دبیر جشنواره جهانی فجر از خانه سینما برای برگزاری جشنواره چه کمکی می‌خواهند. علریضا حسینی نیز در پایان درباره توقف سند ملی سینما توضیح داد: بدون تعارف خانه سینما اصلاً این سند را قبول ندارد و نوشتن یک سند برای فرهنگ و هنر نافی مساله به‌روز بودن سینماست. این سند را دوستان از روی سند سینمای چین و چند کشور دیگر تدوین کرده بودند و اصلاً مناسب شرایط کشور ما نبود. اگر قرار باشد، اتفاقی رخ دهد با حضور و مشارکت خود سینماگران باشد و فعلاً سند ملی سینما متوقف شده است.



تدوین خاطرات

حسن روحانی درباره‌ی این‌که در حال حاضر در حال نگارش کتابی است یا نه، توضیح داد: «الان مقداری از وقتم به ثبت خاطرات دوران ریاست‌جمهوری می‌گذرد؛ یعنی از ۸ سال ریاست‌جمهوری تقریباً خاطرات دو، سه سال را گفته‌ام و چند سال دیگر هم باقی مانده است. این خاطرات گفته و بعد تدوین می‌شود و بعد هم به صورت کتاب درمی‌آید. یک‌سری خاطرات را هم در مرکز اسناد گفته‌ام که مربوط به دوران ۸ سال دفاع مقدس است که آن‌ها هم این روزها از نور پیاده می‌شود و بعد تدوین می‌کنیم که تقریباً سه چهار جلد کتاب خواهد شد. اگر فرصت کنم از دورانی که در شورای عالی امنیت ملی بودم، ۱۶ سال، خلاصه‌ای

از مسائل مهم آن دوران را تدوین کنم، سه چهار جلد کتاب می‌شود. بیشتر مشغول این کار هستم. کار تحقیقی هم شروع کرده‌ام که اگر به ثمر برسد به یک کتاب تبدیل می‌شود.» او هم چنین درباره‌ی اسنادی که به کتابخانه ملی اهدا کرده است، گفت: «اسنادی که به صورت نوار هست، یا نوار کاست یا به صورت وی‌آی‌اس. علاقه‌مند هستم همه این نوارها را تقدیم کنم. تقریباً ۵۰۰ حلقه نوار تقدیم شده است، نوارهایی که تقدیم شده عمدتاً سخنرانی‌های من است و مربوط به قبل از انقلاب و بعد از انقلاب هم چنین برخی از مصاحبه‌های من است و برخی از جلسات تحقیقی که با دوستان دیگر داشته‌ام. این نوارها دارد، تقدیم می‌شود. البته مجموعه این نوارها چند هزار حلقه خواهد بود، الان نزدیک ۵۰۰ حلقه تقدیم شده و بقیه را هم به تدریج تقدیم می‌کنیم که قاعدتاً باید به هارد منتقل شود زیرا ممکن است عمر این نوارها بگذرد و خراب شوند. یک‌سری اسناد هم هست که معتقدم آن‌ها به مرکز اسناد تقدیم شود. یک‌سری از آن‌ها مربوط به دوران جنگ است؛ آن زمان مدتی فرمانده‌ی پدافند هوایی و مدتی هم رئیس ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا بودم. این اسناد مربوط به بخش پدافند و بخش قرارگاه خاتم‌الانبیاست. اسنادی که طبقه‌بندی ندارند را می‌شود، تقدیم کرد. کل این اسناد در اختیار



بیش از گذشته باشد. ترکیب بازیگران فیلم نیز جزو ویژگی‌های فیلم است. از حضور مجتبی پیرزاده که در جشنواره سی‌هشتم با فیلم «تومان» توجه منتقدان را به خود جلب کرد تا رضا کیانیان و پریوش نظریه که سابقه بازی در آثار دفاع مقدسی را دارند.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای روح اله نیکخواه اصلاناً طی وارده ۱۳۹۷۳ – ۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۰ با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۴۸۲۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۱ دفتر اسناد رسمی ۷۲۷ تهران ثبت گردیده است مدعی است که سند مالکیت یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۹۰۶ فرعی از ۳۶۵۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۳۷۹ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲۲ در طبقه ۰۴ و واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک پیروزی تهران استان تهران به مساحت ۴۵/۲ متر مربع که مقدار ۱/۷۸ متر مربع آن بالکن است تحت مالکیت روح اله نیکخواه فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۱۰۷۷ تاریخ تولد ۱۳۵۸/۰۶/۰۳ صادره از کاشان دارای شماره ملی ۱۲۶۲۳۶۹۳۹۸ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۸۱۱۴ تاریخ ۱۴۰۰/۹/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۷۱ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۶۹۱۷۴۶ سری ه سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۶۸ ۳۰۱۰۴۳۰۳۰۱۴۰۰ ثبت گردیده است. محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۱۸۱۱۵ و شماره سیستمی ۱۱۷۴۵ ۳۰۱۰۴۳۰۳۰۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۷۱ شهر تهران استان تهران که بنفع بانک مسکن که بانک مذکور طی نامه ۱۶۷۴/۳۶۰ – ۱۴۰۴/۶/۳ با صدور المثنی موافقت نموده است سپس بعلت اسباب کشی مفقود گردیده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

رئیس حوزه ثبت ملک پیروزی تهران – محسن هدائی

۱۳۵۹۴ م الف

شناسه آگهی ۱۹۹۴۸۸۵

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای سعید قاجاری فرزند احمد شماره شناسنامه ۷۳۴ با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده به شناسه یکتا ۳۶۱۱۷۹ ۱۱۰۰۰۲۱۵۲۹۱۱۰۰۴۰۲۰۲ رمز تصدیق ۸۴۸۷۸۳ شماره ترتیب ۳۶۱۹۲ دفترخانه ۶۸۰ تهران طی درخواست وارده شماره ۴۲۷۹ ۱۰۲۶۰۰۴۲۲۱۷۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد.

۱- نام و نام خانوادگی مالک: آقای سعید قاجاری
۲- شماره پلاک: ۷۰ فرعی از ۱۹۶۰، ۱۹۵۹، ۱۹۵۵ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران
۳- علت گم شدن: سرقت
۴- خلاصه وضعیت مالکیت: شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۷۰ فرعی از ۱۹۶۰، ۱۹۵۹، ۱۹۵۵ اصلی مفروز و مجزا شده از ۴ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۴ در طبقه ۴ واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک قلهک تهران استان تهران به مساحت ۲۰۷/۴۳ متر مربع که ۱۲ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری شماره سه بمساحت ۶/۹۷ متر مربع واقع در همکف و پارکینگ قطعه ۵ بمساحت ۱۰/۸۰ متر مربع در طبقه همکف ذیل شماره ۲۸۳۹۶۶ صفحه ۳۰۷ دفتر املاک جلد ۱۰۳۴ بنام سعید قاجاری ثبت و سند مالکیت با شماره چاپی ۵۷۹۴۶۳ صادر گردیده است لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

کفیل حوزه ثبت ملک قلهک تهران – علی خروازی آذریور

۱۳۵۹۳ م الف

شناسه آگهی ۱۹۹۴۸۸۳

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

پرواز شهرپوری

چه چیزی شاخص بورس را دیوانه کرد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بورس تهران دیروز بار دیگر سبزپوش شد و شاخص کل با جهشی ۷۷/۰ درصدی به ۲ میلیون و ۵۴۲ هزار واحد رسید؛ اما این صعود، قهصای پر فراز و نشیب داشت. شاخصی که در نیمه اول معاملات تا ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار واحد اوج گرفته بود با موج عرضه‌ها ۸ هزار واحد از قله خود عقب نشست. در این میان بازارهای دلار و طلا هم بی‌قرار بودند؛ دلار در کانال ۱۰۲ هزار تومان جولان داد و طلای ۱۸ عیار با همراهی اونس جهانی ۳ هزار و ۶۰۰ دلاری به ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید. سایه سنگین مکانیسم ماشه و تحریم‌های جدید، انتظارات تورمی را شعله‌ور کرده و بازارها را در مسیری پرنوسان قرار داده است؛ جایی که خوش‌بینی‌ها و نگرانی‌ها دست در دست هم، آینده مبهم را رقم می‌زنند.

بورس تهران در معاملات دیروز با صعود ۷۷/۰۰ درصدی شاخص کل به سطح ۲ میلیون و ۵۴۲ هزار واحد رسید و برای چهارمین روز پیاپی سبزپوش ماند. اما این صعود، داستان پرنوسانی داشت؛ شاخص کل که در نیمه اول معاملات تا قله ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار واحدی پیشروی کرده بود، در ادامه با فشار عرضه‌ها ۸ هزار واحد از اوج روزانه خود عقب‌نشینی کرد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲۴/۰ درصدی به ۷۷۵ هزار واحد رسید و شاخص کل فرابورس، افزایش ۲۵/۰ درصدی را تجربه کرد. در جریان معاملات روز شنبه ۲۲۷ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد و ارزش معاملات خرد به ۸ هزار و ۲۴۷ میلیارد تومان رسید. نکته قابل توجه، نقش پررنگ صندوق‌های اهرمی بود که با ارزش معاملات ۲ هزار و ۳۲۶ میلیارد تومانی ۲۷ درصد از کل ارزش معاملات بازار را به خود اختصاص دادند. این حضور پررنگ نشان از خوش‌بینی برخی معامله‌گران به چشم‌انداز بازار در روزهای آتی دارد؛ معامله‌گرانی که با پذیرش ریسک بالا به خرید واحدهای این صندوق‌های پریسک‌روی آورده‌اند. اما در سوی دیگر ماجرا، سایه سنگین فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تحریم‌های جدید بر اقتصاد کشور سنگینی می‌کند. کاهش توان صادرات نفت، افت درآمد‌های نفتی و خروج سرمایه از کشور، دورنمایی چالش‌برانگیز را ترسیم کرده است. این عوامل، انتظارات تورمی را بالا برده و تقاضا در بازارهای دلار و طلا را تقویت کرده است. با کاهش توان بانک مرکزی برای مداخله در بازار ارز، دلار و طلا روند صعودی بلندمدت خود را ادامه خواهند داد. دلار آزاد در معاملات روز گذشته در کانال ۱۰۲ هزار تومان نوسان کرد و در نهایت در همین سطح بسته شد.

همزمان، بهای اونس طلا در بازار جهانی برای اولین بار در تاریخ به کانال ۳ هزار و ۶۰۰ دلار وارد شد و این موضوع همراه با رشد نرخ ارز، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار را به ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و سکه امامی را به ۹۲ میلیون تومان رساند. بازار سهام اما در این میان محتاط‌تر عمل می‌کند. فعال‌سازی مکانیسم ماشه از ماه‌ها پیش در قیمت‌گذاری سهام لحاظ شده و تا زمانی که اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، بازار سهام احتمالاً روند نوسانی و بدون صعودهای پر قدرت را دنبال خواهد کرد. با این حال تحریم‌های جدید، سودآوری شرکت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. صنایع صادرات‌محور مانند پتروشیمی، پالایشی و فولادی با چالش کاهش درآمد مواجه خواهند شد و شرکت‌های وابسته به مواد اولیه وارداتی مانند دارویی و خودرویی با افزایش بهای تمام شده روبه‌رو می‌شوند. واکنش مصرف‌کنندگان به افزایش قیمت محصولات این شرکت‌ها نیز می‌تواند، متفاوت باشد. در این میان فعال‌سازی مکانیسم ماشه تنها تراز تجاری را منفی می‌کند بلکه با خروج سرمایه، تراز پرداخت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این وضعیت، فشار بیشتری بر نرخ ارز وارد خواهد کرد و بازارها را در مسیری پرنوسان نگه خواهد داشت. در این دریای تلاطم، فعالان بازار باید با هوشیاری بیشتری حرکت کنند؛ جایی که خوش‌بینی‌ها و ریسک‌ها، شانه‌به‌شانه هم پیش می‌روند. به نظر تحلیل‌گران، صنایعی همچون پتروشیمی و فلزات اساسی که از مزیت صادراتی برخوردارند احتمالاً با چالش‌هایی در حوزه نقل‌وانتقال مالی روبه‌رو خواهند شد اما همزمان صنایعی مانند غذایی، دارویی و سیمان می‌توانند از تغییر شرایط منتفع شوند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ابهام روی ابهام

آیا بابتک زنجانی دوباره ابتکار فروش نفت ایران را در دست گرفته است؟

جمشید پیش‌قدم
گروه اقتصاد

به دنبال انتشار اخباری مبنی بر فروش نفت ایران به بابتک زنجانی توسط شرکت نیکو، شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با صدور بیانیهای این ادعاها را تکذیب کرد. در این بیانیه آمده است که هیچ اطلاعاتی درباره هویت طرف قرارداد شرکت نیکو در زنجان در دست نیست و این شرکت از روش‌های غیرمستقیم برای فروش نفت استفاده می‌کند. مقامات این شرکت تأکید کردند که برای فروش نفت از راهکارهایی بهره می‌برند که امکان اشاره مستقیم به آنها وجود ندارد. این واکنش در پی گمانه‌زنی‌های اخیر درباره معاملات نفتی ایران مطرح شده است. برخی منابع پیش‌تر مدعی شده بودند که شرکت نیکو، وابسته به شرکت ملی نفت در معاملات خود با زنجان دخیل بوده اما فقدان اطلاعات شفاف درباره این موضوع، ابهامات را افزایش داده است. مقامات وزارت نفت بارها اعلام کرده‌اند که برای مقابله با تحریم‌ها از روش‌های متنوع و خلاقانه‌ای برای حفظ جریان صادرات نفت استفاده می‌کنند بدون آنکه جزئیات این روش‌ها را فاش کنند. در همین زمینه وزیر نفت نیز در پاسخ به پرسشی درباره واگذاری نفت برای فروش به افراد از جمله بابتک زنجانی گفت: «افراد یعنی چه کسی؟ من راهکارهای فروش نفت را که علی‌القاعده نمی‌توانم اشاره کنم ولی یک گستره‌ای از راهکارها و تدابیری داریم که متناسب با هر شرایطی که پیش بیاید، آنها را به کار خواهیم گرفت». اظهارات وزیر نفت در رد شایعات فروش نفت به بابتک زنجانی بیشتر یک تکذیب ظاهری و محتاطانه به نظر می‌رسد. او صراحتاً زنجانی را طرف قرارداد نمی‌داند اما با اشاره به «راهکارهای متنوع و غیرقابل افشا» ابهام ایجاد می‌کند و احتمال دخالت غیرمستقیم را رد نمی‌کند که این خود حساسیت‌ها را تشدید می‌کند.

ادامه یادداشت روز

اصلاحات نهادی

- علم و تکنولوژی به‌مثابه موتور رشد: تجربه جهانی نشان داده که توسعه نه با خام‌فروشی منابع بلکه با سرمایه‌گذاری در تحقیق، نوآوری و پیوند دانشگاه با صنعت تحقق می‌یابد. ایران با شبکه وسیع دانشگاه‌ها می‌تواند به اقتصاد دانش‌بنیان تکیه کند اما لازمه آن اصلاح مالکیت فکری، آزادی علمی و تخصیص منابع پایدار است.
- تخصص‌گرایی و حکمرانی قانون: در نظام سیاست‌گذاری ایران هنوز جایگاه شایسته‌تسالاری متزلزل است. به‌جای تصمیم‌های کوتاه‌مدت سیاسی باید نهادهای تخصصی تقویت شوند و (حکومت قانون) Rule of Law بر روابط اقتصادی حاکم گردد.
- حقوق عرفی و اقتصاد بازار: اقتصاد سیاسی ایران میان دولتی

شنیده‌ها از محافل موثق اقتصادی و سیاسی، بار دیگر زنگ هشدار را در خصوص نحوه فروش نفت کشور به صدا درآورده است. آنچه این روزها به گوش می‌رسد، تکرار زم‌مه‌هایی نگران‌کننده درباره احتمال واگذاری مجدد فروش طلای سیاه به بابتک زنجانی است. (ایلنا) این گمانه‌زنی‌ها تا آنجا جدی شده که ادعا می‌شود، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با درک حساسیت و خطرات بالقوه این موضوع، تذکرات لازم را به وزارت نفت ارائه کرده است. هدف این تذکر صریح، جلوگیری قاطعانه از هرگونه واگذاری محموله‌های نفتی به اشخاصی نظیر زنجانی است. (انتخاب)

حساسیت فزاینده این مساله ریشه در تجربه‌های گذشته دارد. تاریخچه ورود واسطه‌هایی همچون بابتک زنجانی به پرونده‌های حساس نفتی کشور، گواهی روشن بر این مدعاست که چنین رویکردی نه تنها هیچ منفعت و ارزش افزوده‌ای برای منافع ملی به همراه نداشته بلکه پیامدهای فاجعه‌باری نظیر از دست رفتن میلیاردها دلار از سرمایه‌های ملی را در پی داشته است. پرونده جنجالی و پرهزینه بابتک زنجانی که نهایتاً به صدور حکم قضایی و حبس او انجامید هنوز هم داغی بر دل اقتصاد کشور است.

در شرایط کنونی که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت و صیانت از منابع حیاتی خود است، بازگشت به الگوهای ناکارآمد و پر خطر گذشته، می‌تواند ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به اعتماد عمومی و اقتصاد ملی وارد کند.

در همین زمینه، محسن پاک‌نژاد نسبت به برخی خبرهای منتشر شده در این زمینه واکنش نشان داد. وی در پاسخ به این سوال که آیا شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) نفتی را به زنجانی فروخته است، گفت: ما هنگامی که می‌خواهیم یک محموله‌ای را بفروشیم مبتنی بر قرارداد است که یک طرف فروشنده دارد و یک طرف خریدار؛ گزارشی که من از مجموعه شرکت نیکو و نفت ایران گرفتم هیچ کجا یاد نشده است که طرف قرارداد، آقای بابتک زنجانی باشد. (ایلنا)

بودن و بازار آزاد سرگردان مانده است. تجربه نشان می‌دهد که اقتصاد رانتی و توزیعی نمی‌تواند به رشد پایدار برسد. تنها با تثبیت حقوق مالکیت، کاهش انحصار و تقویت رقابت می‌توان به کارایی اقتصادی رسید.

۴- تنش‌زدایی و ارتباطات بین‌الملل: در دنیای به شدت درهم‌تنیده کنونی، هیچ کشوری بدون پیوند با اقتصاد جهانی توسعه نمی‌یابد. رفع تحریم‌ها، تنش‌زدایی با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و حضور فعال در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، شرط لازم برای جذب سرمایه و فناوری است.

۵- تمرکز بر مسائل حیاتی انرژی و آب: آینده توسعه ایران بیش از هر چیز به مدیریت بحران آب و اصلاح نظام انرژی وابسته است. بحران آب می‌تواند، امنیت ملی را به چالش بکشد و یارانه‌های سنگین انرژی مانع بهره‌وری و عدالت می‌شود.

دوراهی سرنوشت

ایران امروز در موقعیت دوگانه‌ای قرار دارد: از یک سو، انباشت سرمایه‌های زیرساختی، منابع طبیعی و ظرفیت انسانی،

پاک‌نژاد در این زمینه توضیح نداد که آیا طرف قرارداد نبودن زنجانی به این معنی است که فرد دیگری از سوی او نفت دریافت کرده یا خیر؟ او در ادامه درباره نامه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به وزارت نفت برای جلوگیری از فروش بیشتر نفت به زنجانی اظهار کرد: چه کسی گفته است؟ من چنین مصوبه‌ای را ندیده‌ام.

وزیر نفت در پاسخ به پرسشی درباره واگذاری نفت برای فروش به افراد توضیح داد: افراد یعنی چه کسی؟ من راهکارهای فروش نفت را که علی‌القاعده نمی‌توانم اشاره کنم ولی یک گستره‌ای از راهکارها و تدابیری داریم که متناسب با هر شرایطی که پیش بیاید، آنها را به کار خواهیم گرفت. پاک‌نژاد همچنین درباره بدهی‌های زنجانی به وزارت نفت یادآور شد: «این موضوع از ۱۰ تا ۱۲ سال قبل مطرح بود. ایشان در سنوات گذشته بخشی از بدهی‌هایش را در قالب اموالی که داشته در اختیار وزارت نفت گذاشته، بخشی دیگر فرآیند تسویه را طی می‌کند و بخشی هم نهایی شده است. آنچه تعیین‌کننده است که ایشان بدهی‌هایشان را پرداخت کردند یا نه، قوه قضاییه است و ما به حکم دستگاه قضایی تمکین می‌کنیم».

حساسیت به بابتک

حساسیت‌های اخیر به بابتک زنجانی در ارتباط با فروش نفت، ریشه در شایعات و گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای دارد که از دو هفته پیش در محافل سیاسی و اقتصادی ایران مطرح شده است. این شایعات عمدتاً بر پایه ادعاهایی مبنی بر واگذاری مجدد فروش محموله‌های نفتی به زنجانی توسط شرکت ملی نفت ایران یا شرکت بازرگانی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی شکل گرفته و نگرانی‌هایی درباره تکرار الگوهای فساد گذشته را برانگیخته است. ریشه اصلی این حساسیت‌ها به تجربیات تلخ گذشته بازمی‌گردد؛ زنجانی در دوران تحریم‌های بین‌المللی به عنوان واسطه‌ای برای دور زدن محدودیت‌ها عمل می‌کرد و بخش قابل توجهی از درآمد‌های حاصل از فروش نفت را به جای واریز به خزانه دولت در حساب‌های خارجی نگه داشت یا صرف فعالیت‌های شخصی کرد. این ماجرا نه تنها میلیاردها دلار خسارت به اقتصاد کشور وارد کرد بلکه اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را خدشه‌دار ساخت و به یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد تبدیل شد. اکنون برخی خبرگزاری‌ها از جمله ایلنا اشاره کرده‌اند که در شرایط تحریم‌های شدید، وزارت نفت از «راهکارهای متنوع و خلاقانه» برای صادرات نفت استفاده می‌کند اما فقدان شفافیت در این فرایندها، گمانه‌زنی‌ها را به سمت تکرار سناریوی زنجانی سوق داده است. آیا این سناریو دوباره تکرار می‌شود؟

پنجره‌ای استثنایی برای توسعه فراهم کرده است؛ از سوی دیگر، بحران‌های اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و تکنگاهای بین‌المللی می‌رود که این پنجره را ببندد.

در منطق اقتصاد سیاسی، «فرصت توسعه» یک سرمایه بین‌نسلی است؛ اگر امروز سیاست‌گذاری درست صورت نگیرد، نسل آینده ناچار خواهد بود با هزینه‌ای چند برابر در شرایطی دشوارتر مسیر ناتمام توسعه را دنبال کند. پرسش اصلی این است: آیا نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور، اراده و توان آن را دارند که از این پنجره استفاده کنند یا سرنوشت «یک قرن تلاش بی‌حاصل» تکرار خواهد شد؟

در نهایت، انتخاب میان باز ماندن یا بسته شدن پنجره توسعه، انتخابی صرفاً اقتصادی نیست؛ انتخابی سیاسی، نهادی و تمدنی است. توسعه نه به معنای صرفاً رشد تولید ناخالص داخلی بلکه به معنای ایجاد حکمرانی کارآمد، حاکمیت قانون و مشارکت فعال در نظام بین‌الملل است. ایران اگر به سمت اصلاحات نهادی، عقلانیت سیاست‌گذاری و تعامل سازنده حرکت کند هنوز می‌تواند، پنجره را باز نگاه دارد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۸۰۳۵۰۱۰۷۹۰۰۲۲۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ در خصوص پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۰۷۹۰۰۶۶۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن میرزائی اعتمادی به شناسنامه شماره ۷۷ کد ملی ۳۰۳۸۸۶۱۷۹۳۰۳۸۸۶ متولد ۱۳۴۶ صادره خنداب فرزند محمداسمعیل نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۸۸/۴۲ متر مربع که مقدار ۴۷/۱۸ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۱۶۴۹ فرعی از ۸۸ اصلی و مقدار ۴۱/۲۴ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۱۷۲۸ فرعی از ۸۸ اصلی واقع در تهران بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک تهرانپارس قرار دارد خریداری مع الواسطه از وراث مالک رسمی پلاک ثبتی ۱۷۲۸ فرعی از ۸۸ اصلی مرحوم همت سیف علیان و سید عبدالله اسلامی و در خصوص پلاک ثبتی ۱۶۴۹ فرعی از ۸۸ اصلی مستند به کد ۹۷۷ م ب ت اقدام گردیده است که استشهادیه و احراز تصرفات آن در پرونده ضمیمه است) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

۱۳۵۹۷ م الف
رضا النجری- رئیس ثبت اسناد و املاک تهرانپارس
شناسه آگهی ۱۹۹۵۰۶۳

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد رضا صدوقی حریری (مالک)

با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره ۵۸۰۳۵۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ دفترخانه ۶۲۰ تهران و برگ تقاضای وارده بشماره ۹۷۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ اپارتمان به پلاک ۱۱۸۰۲۵ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی قطعه ۷ تفکیکی مفروز از ۵۹۳۱۰ فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۱۸۱/۶۰ مترمربع که ۵/۹۵ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری شماره ۶ بمساحت ۳/۷۵ متر مربع و پارکینگ قطعه ۶ بمساحت ۱۰/۸۰ متر مربع ذیل ثبت ۵۰۶۷۱۸ صفحه ۱۸۲ دفتر ۲۶۴۳ بنام اشکان دلسوز ثبت و سند به چایی ۳۱۹۶۷۸ صادر و تسلیم گردید سپس برابر سند ۳۸۸۲ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۱۲ دفترخانه ۴۲۲ تهران به خانم مهناز روحانی منتقل سپس برابر سند ۱۲۵۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۴ دفترخانه ۶۳ تهران به آقای محمد رضا صدوقی حریری منتقل و برابر سند شماره ۱۲۵۲۱۶ مورخ ۹۳/۷/۱۴ دفترخانه ۶۳ تهران در رهن شرکت سهامی بیمه ایران می باشد. نامبرده به علت جابجایی سند مالکیت خود را مفقود نموده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده اند لذا مراتب باسناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. سابقه بازداشت مشاهده نگردید.

۱۳۵۹۶ م الف
رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر آرا تهران – کمال شاکری
شناسه آگهی ۱۹۹۵۰۵۹

پلمب کافه‌ها

نیدکافه و لمیز به دلیل آنچه رفتارهای غیرعرف اعلام شد پلمب شدند

گروه اجتماعی: در روزهای اخیر گزارش‌های متعددی درباره پلمب شدن کافه‌ها و رستوران‌های معروف منتشر شده است. این پلمب‌ها غالباً به دلیل برگزاری رویدادهای فرهنگی، اجتماعی یا تبلیغاتی انجام می‌شود و مسئولان دلایل مختلفی مانند عدم رعایت قوانین صنفی، ایجاد فضای «خارج از عرف» یا حمایت از اعتراضات را مطرح می‌کنند. در آخرین نمونه، کافه‌ای به نام «نیدکافه» در خیابان نیاوران از سوی پلیس پلمب شد. این کافه پیش‌تر در صفحه رسمی اینستاگرامش، رویدادی با عنوان «ایونت دختران موتورسوار» را برای روز جمعه ۱۴ شهریور تبلیغ کرده بود؛ برنامه‌ای که قرار بود همراه با حضور دی‌جی و اهدای دو جایزه نقدی ۱۰ میلیون تومانی برگزار شود اما یک روز پیش از برگزاری، مدیریت نیدکافه در اینستاگرام، تصویر برچسب «توقف موقت فعالیت» با آرم پلیس را منتشر کرد و از مخاطبان خواست که در روز رویداد به کافه مراجعه نکنند.

ایسن پلمب موجی از واکنش‌های اعتراضی و طنز را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. برخی کاربران معتقد بودند که زنان موتورسوار در ایران با محدودیت‌های رسمی مواجه‌اند و برگزاری چنین دوره‌می‌هایی، فرصتی برای دیده شدن و حمایت است. دیگران عقیده داشتند که اطلاع‌رسانی عمومی درباره برنامه‌ای با موسیقی و جایزه نقدی، بدون اخذ مجوز رسمی، واکنش نهادهای نظارتی را برمی‌انگیزد.

پیش از این سه‌شنبه ۷ مرداد ماه، شعبه یوسف‌آباد زنجریه کافه‌های لمیز ناگهان پلمب شد. گزارش خبرگزاری هرانا می‌گوید که صفحه منتسب به کافه «لمیز» در اینستاگرام با انتشار مطلبی اعلام کرد که شعبه یوسف‌آباد به دلیل معرفی

یک محصول جدید در قالب مهمانی تابستانی توسط مراجع ذی‌ربط پلمب شده است. پیش‌تر ویدیویی از این مهمانی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود. دلایل رسمی این اقدام «بازاریابی خارج از عرف» عنوان شد. در ویدیو، جمعی از مشتریان در محیطی شبیه جشن تابستانی، نوشیدنی جدیدی را تست می‌کردند. برخی رسانه‌های نزدیک به حاکمیت این رفتار را «رقص و پایکوبی» و «تهییج جوانان» دانستند در حالی‌که منتقدان تأکید داشتند چنین تبلیغاتی در دیگر کشورها رایج است و هیچ‌گونه جنبه سیاسی ندارد. تعدادی از کاربران نیز این اقدام را بهانه‌ای دانستند برای تشدید نظارت بر کافه‌های جوان‌پسند.

واکنش‌های کاربران

پلمب‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی با موجی از طنز و اعتراض همراه بوده است. کاربران با هشتگ‌هایی مانند «#لمیز» یا «#نیدکافه» به روایت‌های رسمی اعتراض کردند و پرسیدند چرا معرفی یک نوشیدنی یا گردهمایی ورزشی باید جرم تلقی شود. برخی افراد نیز با بازنشر ویدیوهای معرفی نوشیدنی یا تصاویر موتورسواران زن به مقایسه با مراسم مشابه در دیگر کشورها پرداختند. پس از پلمب نیدکافه، تعداد زیادی از کاربران توضیح خواستند که کدام بخش از قوانین صنفی نقض شده است و چرا مدیریت کافه باید پاسخگوی رفتار مشتریان در رویدادی بیرون از مقر کافه باشد.

از منظر حقوقی، کارشناسان یادآوری می‌کنند که مجازات باید شخصی و متناسب با تخلف باشد. پلمب کردن یک واحد تجاری معمولاً با حکم قضایی و بدون طی کردن روند

بازتاب

عدم آشنایی با ساخت قدرت

پاسخ شهرداری تهران به گزارش سازندگی

شهرداری تهران در واکنش به گزارش این رسانه تحت عنوان «آرزوی محال» جوابیه‌ای را ارسال کرده و مدعی است که انتقادات به بهانه‌تراشی‌های شهرداری برای جلوگیری از برگزاری کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی، کذب و خلاف واقع است. متن این جوابیه به شرح زیر است: گزارش روزنامه سازندگی ادعا کرده است که «اولین کنسرت خیابانی ایران» با «بهانه‌تراشی شهرداری تهران» لغو شد! در این باره موارد زیر برای آگاهی افکار عمومی تقدیم می‌گردد:

نویسنده روزنامه در حالی مدعی لغو کنسرت هنرمند محبوب و دوست‌داشتنی «همایون شجریان» به‌خاطر بهانه‌تراشی‌های مدیریت شهری شده است که متولی اجرای این برنامه اساساً دولت محترم و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است! در واقع شهرداری تهران مطلقاً «تصمیم‌گیر» طراحی و اجرا و البته جابه‌جایی یا لغو آن نبوده است. تلاش این روزنامه اما برای القای این تصویر که دولت جناب آقای دکتر پزشکیان برای اجرای یک کنسرت در پایتخت محل حکومتشان «تهران» معطل مجوز یا همکاری شهرداری تهران است، ناشی از عدم آشنایی آن روزنامه با ساخت قدرت در جمهوری اسلامی است. بگذریم از اینکه چنین تصویری تخفیف اقتدار آقای رئیس‌جمهور نیز هست، تئوری‌های توطئه «سازندگی» در نهایت، به نفع هر کسی که باشد، به کام جناب آقای دکتر پزشکیان نیست!

چنانکه پیش‌تر نیز با انتشار تفصیل مکاتبات دولتی اعلام شده بود، پیش‌تر از ۹ شهریورماه، هیچ مکانیبه یا اطلاع رسمی درخصوص برگزاری کنسرت همایون در میدان آزادی به شهرداری تهران ابلاغ نشده است. دیگر دستگاه‌های خدمت‌رسان مانند پلیس و اورژانس نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها از بی‌خبری مطلق از اراده دولت محترم برای برگزاری کنسرت خبر داده بودند. معلوم نیست، دعوی این روزنامه مبنی بر تصویب موضوع و انجام هماهنگی‌های لازم از ۴۰ روز قبل! بر اساس کدام استنادات صورت می‌پذیرد.

نهم شهریورماه (یعنی چهار روز پیش از کنسرت) معاون محترم وزیر ارشاد با ارسال نامه‌ای به معاون وزیر کشور به کاستی‌های فراوان میدان آزادی برای میزبانی از جمعیت مشتاق شرکت در برنامه اشاره و از یک مقام دولتی دیگر تقاضای فراهم کردن امکاناتی مثل «صوت» یا «سرویس بهداشتی سیار» می‌کند. معاون وزیر کشور نیز در مکاتبه جداگانه‌ای به همان تاریخ از استاندار تهران می‌خواهد تا رایتزی با دستگاه‌های خدمت‌رسان- از جمله شهرداری تهران- آرای آنان را درخصوص برگزاری کنسرت روز جمعه جویا شود. تأکید می‌شود هیچ مکانیبه رسمی از جانب وزارت ارشاد خطاب به شهرداری تهران صورت نپذیرفته است. شهرداری تهران در پاسخ به استعلام استانداری در کنار دیگر دستگاه‌های خدمت‌رسان از قبیل پلیس، اورژانس و دستگاه‌های امنیتی، فرصت کوتاه تا برگزاری برنامه را مانع از میزبانی شایسته از شهروندان دانسته و پیشنهاد تعویق یک هفته‌ای یا جابه‌جایی مکان برگزاری کنسرت را مطرح می‌کند. پیشنهادی که در نشست روز چهارشنبه هیأت دولت توسط وزیر کشور مطرح شده و آن‌طور که رئیس اداره اطلاع‌رسانی دولت (احمدنیا) اعلام کرده با «اجماع» هیأت دولت در حمایت از برگزاری کنسرت مواجه شده و پیشنهاد جابه‌جایی مکان برگزاری در ورزشگاه آزادی (درصورت فراهم نبودن زیرساخت‌ها) به تصویب هیأت دولت می‌رسد. آن‌طور که اسناد و مدارک نشان می‌دهد، برگزاری کنسرت همایون، ایده وزارت ارشاد و پیشنهاد جابه‌جایی آن به ورزشگاه آزادی به تصویب هیأت دولت رسیده است. نه تصمیم‌گیر اجرا شهرداری بود، نه تصمیم به جابه‌جایی توسط شهرداری اتخاذ شد. تأکید می‌شود، القای این تصویر که دولت جناب آقای پزشکیان برای برگزاری یک کنسرت، معطل شهرداری



در ادامه تأکید می‌گردد همان‌گونه که شهردار محترم تهران اعلام کرد، مجموعه شهرداری تهران برای پشتیبانی از برگزاری کنسرت همایون شجریان در اولین زمان ممکن در میادین یا بوستان‌های بزرگ پایتخت، مصمم است. این موضوع توسط معاون شهردار تهران به اطلاع مدیر برنامه‌های فرهنگی برای حمایت از فرهنگ و هنر ایرانی و تزریق روحیه نشاط و شادابی به جامعه به برگزاری کنسرت‌های خیابانی مثل کنسرت علیرضا قربانی و سالار عقیلی ادامه خواهد داد. مانند چهار سال گذشته، با پایان ایام محرم و صفر، به‌زودی جشن‌ها و کنسرت‌های متعدد دیگری در مناطق مختلف پایتخت برگزار خواهد شد. باشد که موجبات جلب رضایت شهروندان محترم فراهم شود.



به تعادل برسد، توقیف واحدهای صنفی با انگیزه‌های فرهنگی یا سیاسی، اقتصاد خرد را در مرز فروپاشی قرار می‌دهد و امید به احیای تولید و اشتغال را کمرنگ می‌کند.

در شرایطی که اقتصاد کشور تحت فشار جنگ، تحریم و تورم قرار دارد و هزاران جوان از نبود فرصت شغلی در رنج هستند، ضروری است که نهادهای نظارتی رویکردی شفاف و قانونی اتخاذ کنند. پلمب واحدهای تجاری باید آخرین راه‌حل و تنها در موارد تخلف آشکار صنفی و پس از طی کردن فرآیند قضایی انجام شود. همچنین قوانین مرتبط با برگزاری رویدادهای فرهنگی و اجتماعی باید بازنگری شود تا امکان استفاده از فضای عمومی برای تفریح، ورزش و هنر- به‌ویژه برای زنان و جوانان- فراهم آید. گفت‌وگوی سازنده بین حکومت و جامعه مدنی می‌تواند به تنظیم مقرراتی منجر شود که هم کرامت انسانی و آزادی‌های اجتماعی را پاس بدارد و هم امنیت و نظم عمومی را تضمین کند.

بسا توجه به تجربه تلخ جنگ اخیر و فشارهای اقتصادی گسترده، کشور به همبستگی و امید نیاز دارد. احترام به آزادی‌های اجتماعی- مانند حق برگزاری رویدادهای فرهنگی، گردهمایی‌های ورزشی و فعالیت‌های تبلیغاتی مشروع- می‌تواند نقش مهمی در ترمیم سرمایه اجتماعی و تقویت مشارکت شهروندان داشته باشد. نظارت قانونی و منصفانه باید در خدمت رونق اقتصاد و آرامش اجتماعی باشد نه ابزاری برای محدودسازی و ترس.

سلامت

۱۰ سال زودتر از اروپا!

سن سکته قلبی در ایران پایین‌تر از اروپاست

مسعود قاسمی، رئیس انجمن آترواسکلروز ایران گفته که؛ در ایران، سن شروع بیماری‌های قلبی حدود ۱۰ سال زودتر از اروپاست و این بیماری‌ها به دلیل افزایش طول عمر در سال‌های اخیر حدود ۱۸۰ درصد رشد کرده‌اند. با این حال میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است. متوسط عمر مردان ایرانی به ۷۶ سال و زنان به ۸۰ سال رسیده است که از متوسط عمر جهانی بیشتر است. به اعتقاد متخصصان؛ بیماری‌های قلبی به‌ویژه در اثر افزایش قیمت تجهیزات پزشکی و هزینه‌های درمانی، بار مالی سنگینی را بر دوش مردم می‌گذارد. برای مثال، هزینه آژیوپلاستی در بیمارستان‌های خصوصی حدود ۵۰۰ میلیون تومان است که در بخش دولتی حدود ۸۰ درصد هزینه‌های بخش خصوصی را بیمه‌ها پوشش می‌دهند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۵۱۷/۱۰۷۹۰۰۳۰/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ در خصوص پرونده کلاسه ۸۸۵/۱۰۷۹۰۰۰۳۰/۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید عباسی به شناسنامه شماره ۴۱۹ کد ملی ۰۵۲۲۲۰۱۳۳۷ متولد ۱۳۴۳ صادره اراک فرزند ذبیح اله نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۳۱۵/۹۹ متر مربع که مقدار مساحت ۲۲/۵۵ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۱۴۰۸۹ فرعی از ۸۸ اصلی و مقدار ۲۹۳/۴۴ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۱۴۰۹۰ فرعی از ۸۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک تهرانپارس خریداری از مالک رسمی (شرکت توسعه لوبزان) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
۱۳۶۰۲ م الف

شناسه آگهی ۱۹۹۵۰۹۳

رضاالتجری-رئیس ثبت اسناد و املاک تهرانپارس

